

علیرضا گلی پور را آزاد کنید

علیرضا گلی پور

زادروز: ۱۳۶۵

زادگاه:

تحصیلات: مهندس ارشد اداره مخابرات

شغل: کارمند وزارت ارتباطات و فن‌آوری / عضو انجمن نخبگان

خانواده: متاهل

اتهام: ارتباط با دول متخاصم و انتقال اطلاعات؛ ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران

حکم: نامشخص

زندانی: اوین

گردآوری و تنظیم: بهمن ۱۳۹۴

«علیرضا گلی پور» دانشجوی مخابرات، کارمند وزارت ارتباطات و فناوری و زندانی سیاسی بند ۷ زندان اوین از جمله زندانیانی است که علاوه بر دوران طولانی بازجویی و شکنجه در سلول‌های انفرادی، خانواده اش نیز تحت فشار و آزار واقع شده‌اند.

گلی پور، سابقه بازداشت در سال ۸۸، که با اتهام «ارتباط با دول متخاصم» از طریق «خروج اطلاعات شرکت ارتباطات سیار از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ از شرکت زیمنس، خروج اطلاعات زندانیان سیاسی از سال ۸۸ تا ۸۹، فاش کردن ماجرای غیراخلاقی و فساد مالی سرهنگ محرابی رئیس پلیس امنیت تهران بزرگ» مواجه است.

او در مهر ۱۳۹۱، توسط ۷ مامور وزارت اطلاعات در محوطه دانشگاه پیام نور واحد مرکز واقع در شهرک شهید محلاتی بازداشت و برای دو ماه به انفرادی بند ۲۴۰ منتقل شد؛ یک سال بعد را برای ادامه بازجویی در سلول انفرادی بند ۲۰۹ به سر برد و سرانجام از اواخر آذر ۹۲، پس از انتقال به قرنطینه بند هشت زندان اوین، به صورت بلا تکلیف تا به امروز در بازداشت است. گلی پور، در توصیف دوران بازجویی اش می‌گوید: «کتک زدن، تهدید به تجاوز، تهدید به آبروریزی مادر و خواهر و همسر، بازداشت خانواده و ... تنها بخشی از شکنجه‌های دوران بازجویی در انفرادی بوده است.»

علیرضا گلی پور زندانی سیاسی بند هفت زندان اوین است. وی از مهرماه ۱۳۹۱، به صورت بلا تکلیف در زندان نگهداری می‌شود، پس از افشای فسادهای افراد حکومتی مانند علوی وزیر اطلاعات و دبیر حزب حامیان ولایت (که با سوء استفاده از موقعیت خود با ارز دولتی به سو استفاده‌های مالی سرگرم بوده) و یا فساد سرهنگ محرابی رئیس کل پلیس امنیت استان تهران و یا افشای جنایات پلیس امنیت پایگاه چهارم مانند ضرب و شتم متهمین یا فعالیت‌های خلاف در منطقه خود؛ از سوی وزارت اطلاعات بازداشت و مدتها در سلول‌های انفرادی تحت بازجویی و شکنجه بود.

این کارمند سابق وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در توصیف وضعیت خانواده اش در دوران انفرادی اش، می‌گوید: «حدود یکسال و نیم پس از بازداشت، خانواده هیچ اطلاعی از وضعیت من نداشتند و هیچ تماسی با خارج از زندان و خانواده نداشتیم. و بعدها پس از انتقال به بند هشت، متوجه آزار و فشارهای ماموران وزارت اطلاعات به خانواده ام شدم. ارائه اطلاعات از طرف وزارت اطلاعات و شکنجه‌های روانی مادرم به حدی بود که، طی آن دوران، مادرم که ناراحتی قلبی دارد، سه بار در بیمارستان بستری شد.»

گلی پور همچنین می گوید: « طی دوران حبس در انفرادی و قطع تماس با دنیای خارج، همسر وی که از اقوام نزدیک آیت الله صانعی بود با فریب کاری وزارت اطلاعات و فشارهای وارده به خانواده وادار به طلاق و جدایی شد.» او در خصوص نقش وزارت اطلاعات در این طلاق می گوید: «در حالی که بیش از یکسال از تماس با دنیای خارج از سلول انفرادی محروم بودم، به همسرم اعلام کرده بودند که من با خانمی ارتباط داشته و همراه او از کشور فرار کرده ام!» گلی پور، می گوید: «روند بازجویی من تحت نظارت و توسط سه ارگان سپاه (۲ الف) وزارت اطلاعات (۲۰۹) و حفاظت ناجا انجام گرفته و بسیار طولانی مدت بوده و پرونده در شعبه ۶ بازپرسی اوین به ریاست امیر ناصری بازپرسی شده است.»

علیرضا گلی پور روز ۳۰ تیر ۱۳۹۳ به حفاظت زندان اوین برده شد و به وی گفتند که باید در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت کنی و بگویی که هر چه درباره افشا فساد مالی و اخلاقی مسوولین زندان و... کذب محض بوده است.

جلسه رسیدگی به پرونده «علیرضا گلی پور»، با حضور نماینده وزارت اطلاعات چندی پیش در روز سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ برگزار شد. در پی اعتراض این دانشجوی زندانی به ممانعت ها از ملاقات با وکیل، رسیدگی به اتهامات، به تاریخی دیگر موکول شد. در فاصله کمتر از یک هفته مانده به تاریخ محاکمه این دانشجوی زندانی، حتی پس از اجازه انتخاب وکیل از سوی دادگاه، وزارت اطلاعات و سپاه ثارالله از ورود وکیل به زندان جهت ملاقات و مطالعه پرونده او ممانعت بعمل آوردند.

وی پس از گذشت ۳ سال سرانجام ظهر روز سه شنبه ۳ شهریور ماه ۱۳۹۴ موفق به ملاقات با خانواده اش در حضور مامورین امنیتی شد.

علیرضا گلی پور بر اثر شکنجه های بسیار دچار ناراحتی های مختلف جسمی و روحی و بطور خاص بیماریهای قلبی و خونریزیهای مکرر شده است. وی همچنین بر اثر بروز تومور در ناحیه سینه دچار مشکلات جدی شده و سلامت وی در خطر است.

وی به علت وجود تومور در ریه و مشکلات قلبی پس از تعلل ها و کارشکنی عوامل زندان؛ روز چهارشنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۹۴ در بیمارستان خمینی تحت عمل جراحی قرار گرفته و در حالی که نیازمند مراقبت های ویژه پزشکی بود به دستور دادستانی پس از عمل بلافاصله به زندان برگردانده شد و در روزهای پایانی دی ماه سال ۹۴ مورد عمل جراحی قرار گرفت. اما بدون رسیدگی های ضروری به زندان برگردانده شد.

لازم به یادآوری است که این زندانی امنیتی باوجود بیماری های مختلف چندین بار مورد بازجویی های سخت شبانه گرفته و این بازجویی ها وضعیت وی را وخیم تر نموده است. وکیل وی پیش تر اعلام کرده است که این زندانی سیاسی بند هفت زندان اوین مشکوک به سرطان می باشد.

نامه علیرضا گلی پور - اردیبهشت ۱۳۹۳

متن کامل نامه علیرضا گلی پور که به دلیل افشای فساد مقامات حکومتی، ماهها پس از بازداشت از ورود وکیل به پرونده و اجازه مطالعه پرونده وی جلوگیری می شود، به شرح زیر است:

سلامی از روی خلوص به مردمی که همیشه خواستار آزادی بوده و هستند. در چند روز گذشته مباحث زیادی بر سر پول کثیف مابین وزیر کشور و مجلس بود که مردم فکر می کردند که حرکاتی علیه مفاسد اقتصادی به وجود آمده که متأسفانه چون پشتیبان مفسدین آقایان خواص بودند، وزیر کشور مجبور به عذرخواهی شدند.

آقای سید علی خامنه‌ای در نطقی در مورخ ۹/۲/۹۴ اشاره کردند که: «با دزد، دزد کردن نمی‌شود، با دزدی مبارزه کرد و باید مسئولین و مردم با قاطعیت، شفاف سازی و مستندسازی برخوردی قاطع با مفسدین انجام بدهند.» چه قدر زیباست اگر راست باشد !!!

نگارنده این متن خدمت مردم و مسئولین مطالبی به عنوان نمونه از این فسادها بیان می‌کند و سوالش این است که آیا واقعا خواستار مبارزه با مفسدان هستید و اگر جوابتان آری است، چرا هر کس ذره‌ای از این موارد با خبر می‌شود و اطلاع‌رسانی می‌کند دستگاه‌های امنیتی نظام فرد را بازداشت و با تهدیدهای مختلف به خفقان می‌رسانند؟؟؟ در پرونده بنده که در همین قوه به اصطلاح قضائیه در حال جریان است نمونه‌های مختلفی از این موارد را می‌توانید مطالعه کنید، ضمن اینکه سوالاتی را در نامه قبلی از شخص آقای خامنه‌ای پرسیدم که هنوز جوابی نرسیده و البته فکر نمی‌کنم اصلا جوابی وجود داشته باشد.

۱- منظور مستقیم وزیر کشور شخص آقای بروجردی نماینده مجلس و رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس است که مبالغ زیادی به وی پرداخت شده و طی روزهای گذشته وزیر کشور به خاطر حفظ موقعیت و این که شخص آقای سید مجتبی خامنه‌ای پشتیبان نماینده مذکور است، مجبور شده که بگوید مشت ما خالی است و از مردم و مجلس عذرخواهی کند، البته در اثر زور و فشار. و صد البته که مشت شان خالی نبود و مدارک و مستندات در اختیارشان است ولی نمی‌گذارند که عیان شود، و اگر بر فرض محال به قوه قضائیه ارائه شود، کلیه مدارک مفقود می‌شود که نمونه‌های مختلف آن را پیشتر دیده ایم.

۲- مردم ایران روحیه انسان دوستانه‌ای دارند و همیشه برای کمک به هم‌نوعانشان پیشقراول حکومتها بوده‌اند. در کشور ما موسسات مختلف خیریه وجود دارد که یکی از آنها که از بردن اسم آن به علت تهدید خانواده ام معذورم (و البته در پرونده‌ام موجود است)، و اغلب پرسنل آن نظامی می‌باشند، کودکان بی سرپرست و بد سرپرست را در زیر مجموعه خود قرار داده‌اند و مردم با پرداخت مبالغی یک کارت که عکس یک کودک معصوم و بیگناه که روی آن است را می‌گیرند. که تا این جا، کار پسندیده‌ای است، ولی تاسف آنکه با کمک‌های فوق شرکت لیزینگ تاسیس شده و مبالغ جمع‌آوری شده به کودکان و خانواده‌ها نرسیده و مبالغ را پس از به سود رسانی بین خود تقسیم می‌کنند و صد افسوس که پشتیبانان این شرکت شخص سرهنگ محرابی رئیس پلیس امنیت تهران هستند و مدارک در پرونده بنده موجود است. آیا این امر قابل بررسی و جلوگیری نبوده و نیست؟؟ واقعا چقدر باید با حرفه‌ایان با شخصیت مردم بازی بکنید !!

۳- حزبی به نام حامیان ولایت تشکیل شده که اعضای آنرا اکثرا پرسنل وزارت اطلاعات تشکیل می‌دهند، در سال ۹۱ زمانی که مردم در اثر گران شدن بی رویه دلار دچار ورشکستگی و پاشیدن زندگیشان شده بودند، آقایان با ارز دولتی و نام این حزب که شعارشان حمایت از رهبر است، ماشین‌های لوکس و گران قیمت وارد می‌کنند، البته اگر برای مصرف دولتی بود می‌گفتند یک دستگاه امنیتی برای دور زدن بحران اقتصادی چاره‌ای اندیشیده است ولی این مسئله کاملا شخصی بوده و متاسفانه اینها به فکر این ملت نبوده و نیستند و این درحالیست که در همین تهران خانواده‌هایی هستند که برای امرار معاش ابتدایی خود نیز درمانده‌اند و با صد افسوس باید بگویم که دبیر این حزب آقای علوی وزیر فعلی اطلاعات می‌باشند. مدارک و مستندات در پرونده این جانب موجود است. آیا واقعا کسی از این جریانات خبر ندارد و آقای خامنه‌ای که می‌گویند از همه چیز با خبر هستند آیا از حزب حامیان خود بی‌خبرند!!!!؟؟؟ نمی‌خواهم زیاده‌گویی کنم، فقط گوشه کوچکی از مطالب را بیان کردم، شاید آغازی باشد برای شفاف‌سازی نهادها و سازمان‌های دولت آقای احمدی‌نژاد با استفاده از مدارک موجود در پرونده این جانب.

آیا واقعا کسی این مطالب را ندیده و نشنیده، نمیداند و نمی فهمد؟؟ آیا کسانی که اطلاع رسانی کرده اند آیا الان آزادند؟؟ آیا دستگاه امنیتی با این مفاسد مبارزه میکند؟؟ سوال بنده و شاید همه دلسوزان کشور این است که از دست مفسدان دستگاه امنیتی و زیر مجموعه رهبری و متفقین ایشان به کجا شکایت برند. به قول دکتر شریعتی، زمانه کاری کرده که شما را یا کتمان می کنند و اگر نتوانند، بد نام می کنند و متاسفانه هر کسی در این کشور حقیقت و ارزشی را گفت بد نام می شود و یا خفه. با تقدیم احترام به همه دوستداران وطن و آزادی و حقیقت

نامه زندانی سیاسی علیرضا گلی پور خطاب به مردم ایران

۱۶ شهریور، ۱۳۹۴

بنام خداوند دوستدار آزادی و اندیشه

سلام، درودی از روی عشق به مردم عزیزی که برایشان گذشتن حق زیستن آزاد، کوچکترین کاری است که میتوان در مقام انسانیت و حس بشر دوستی انجام دادو امید آن را داشت که از سایه دولتمردان دیکتاتور و مزدور بیرون آمده و در یک نظام دموکراتیک و رعایت تمام اصول دموکراسی زندگی کنند که البته حق مسلم آنها اول آزادی بیان و بعد از آن صد البته انرژی هسته ای می باشد.

هر روز که می گذرد به راه خود مصمم می شویم چرا؟

چون اجحافات و عدم عدالت و دروغ پردازی مسئولین کشور و البته در صدر آن مقامات قضایی کشور را می بینیم و حس می کنیم فشاری که به دوستانمان که از روی نقد و دل سوزی برای مردمشان حرفی زده اند و یابیانیه نوشته اند بلافاصله با برخورد دستگاههای امنیتی مواجه شده اند و یا اینکه، واقعیات جامعه، ادارات را انتشار داده اند، الان در زندان این رژیم دیکتاتور محبوس می باشند و از کوچکترین امکانات برخوردار نیستند.

تعداد زیادی بدون ملاقات، تعداد زیادی از بیماری به دلیل عدم اعزام به بیمارستان و یا سوء تغذیه و یا شکنجه های جسمی و روحی درون بندهای وزارت اطلاعات و سپاه در رنج بسر می برند که توصیف آن با توشتن امکان پذیر نیست. اگر تعدادی هم صدایشان در آید و بگویند و اطلاع رسانی کنند عوامل همین دستگاههای امنیتی در زندان مانند آقایان حمیدی، مومنی با دستور دادستانی و یا در برخی موارد که پای خودشان هم در آن گیر باشد با نظر شخصی فشار را به افراد بیش از پیش می کنند.

و جالب آنکه این افراد و دستگاهی خود به خاطراتهامات و رشوه و اختلاس و شکنجه، پروندهای مفتوح دارندو اغلب دارای گردش کارهای متعدد از نهادهای امنیتی مانند سپاه و وزارت اطلاعات هستند که جای سوال و تفکر به وجود می آورد که واقعا عدالت را کجای این کشور می توان پیدا کرد.

کجای دنیای روشنفکران، جوانان نخبه علمی، جوانان عضو در تشکل های مردمی و کارگری، جوانان عضو در تشکل های حمایت از حقوق کودکان، زنان، معلمان و... را به بدترین شکل ممکن بازداشت می کنند وبا ضرب و شتم و شکنجه های روحی بسیار مانند سلول انفرادی، عدم دیدار با خانواده، تهدید به برهم زدن زندگی خانوادگی، تهدید به بازداشت خانواده، این افراد را مجبور به نوشتن اعترافات کذب و یا توبه کردن جلوی دوربین می کنند و تازه پس از گذشت همه این مراحل در سلول ها و بازداشتگاههای امنیتی به حبس های طولانی مدت روانه زندان می کنند.

مردم عزیز ایران از جایی دور صحبت نمی کنم در همین تهران، زندان اوین اندرزگاه ۷ و ۸ و زندان رجایی شهر اندرزگاه ۲ و ۴.

نمونه زیادی از این نخبگان و دوستداران آزادی مردم را می توانید ببینید که فقط برای گفتن حقیقت گرفتار این مزدوران حکومت دیکتاتوری شده اند .

مسئولان این کشور به جای اینکه از نظرات آنها استفاده کنند و یا به داد این مردم برسند درصد بالایی از بودجه کشور را در اختیار نهادهای امنیتی برای خفقان قشر سیاسی و دلسوز جامعه صرف میکنند تا صدای این جماعت به گوش شما نرسد و خدای ناکرده بیدار نشوید که ببینید چه ظلم هایی که به اسم حکومت اسلامی به شما نمی کنند.

با اینکه برای خودم شاید خیلی بد باشد اما باید به گوش شما برسانم که در پرونده بنده که الان در دادگاه انقلاب شعبه ۱۵ مفتوح می باشد آمار بالایی از فسادهای مسولین مانند آقای علوی وزیر اطلاعات، سرهنگ مهربانی رییس پلیس امنیت تهران، سرهنگ ساوری معاون اول آقای سردار نقدی، آقای رحیم مشایی، آقای حمیدی راد معاون غذایی زندان اوین، آقای مومنی معاون اجرایی زندان اوین، پرسنل زندان اوین، پرسنل نیروی انتظامی، قاضی شعبه ۲۸ آقای مقیسه وجود دارد که این نشان دهنده مسمومیت سیستم حکومتی کشور می باشد. تازه به همه این نام ها نام مجتبی خامنه ای و علالدین بروجردی را هم می توان اضافه کرد.

من و کلیه زندانیان سیاسی که در بندهای امنیتی مختلف هستیم از شما خواهشمندیم که با دید باز به عملکرد مسئولین کشور و نظام حاکم بنگرید و بیدار شوید و اجازه به خفقان کشاندن صداهایتان را به این ظالمان ندهید و بدانید که کسانی هستند که در مخوفترین سلولهای امنیتی این کشور به خاطر آگاهی و آزادی شما در حال شکنجه و مبارزه با این دیکتاتوران هستند و تا آخر ایستاده اند.

با امید بیداری همه مردم و آزادی

علیرضا گلی پور

شهریور ۱۳۹۴

